



جهان در سالی که گذشت

جهان در سال گذشته شاهد تحولات و رخدادهایی بود که در مجموع میتوان سالی پرتنش میان کشورها و سالی پراز آشوب و جنگ و آوارگی و سالی همراه با افزایش شکاف طبقاتی، افزایش بیکاری و تشدید انهدام محیط زیست در جوامع بشری و سالی مملو از تضاد و تناقضات نظام سرمایه داری حاکم بر جهان دانست. در حالی که راه حل نئولیبرالی نتایج دهشت باری با خود به همراه داشت ولی همچنان جهان را زیر پا میگذارد و به هر نقطه ای از جهان که روی آوری اثرات و تبعات شتابناک آنرا بر چهره شهرها، محیط زیست و محل کار و زندگی و معیشت مردمان جهان میبایست.

در چهار چوب نظام سرمایه داری جهانی سازی شده نمیتوان بدرستی روشن کرد که آیا در سال گذشته جهانی بهتر و یا بدتر از سالهای قبل از آن داشتیم. شاید با اشاره ای کوتاه به تحولات برخی از کشورها عیار نیک و بد سال گذشته و سرنوشت سال آینده را بشود در تصور کنجانند. سالی که نکوست از بهارش پیداست.

از اروپا آغاز کنیم که در شرایطی سال 2016 را پشت سر میگذارد که بحران اقتصادی اش هنوز راه حلی نیافته است و اتحادش بر پایه های لرزان خود سمفونی مرگ مینوازد. اتحادیه اروپا در سال گذشته با بحراناها و مسائل متعددی روبرو بود، ...

ادامه در صفحه ۲

انفجار در مقرر حزب دموکرات کردستان و ضرورت هشجاری نیروهای انقلابی

”خ- عمو او غلی“

در شامگاه روز 30 آذربا انفجار دوبرمب در کنار مقرر حزب دموکرات کردستان در کویسنجق اقلیم کردستان پنج تن از پیشمرگان حزب به نام های "علی قیطاسی، وهاب میر خزری، ناصر کریمی، سالار باقری، ارسلان عباسی" و یک نفر از ماموران امنیتی اقلیم جان خود را از دست داده و عده ای نیز زخمی شدند.

ادامه در صفحه ۴

اعتیاد و پخش مواد مخدر ابزاری در دست ارتجاع حاکم برای سرکوب خاموش جامعه

”سالار حسامی“

۴ میلیون و پانصد هزار نفر آخرین آمار معتادان ایران است که به نقل از گفته های سردمداران رژیم در مطبوعات حکومتی ذکر شده، با توجه به اینکه سردمداران رژیم در تمامی موارد هرگز امار دقیقی ارائه نمی دهند تعداد معتادان به مواد مخدر بیش از اینها می باشد. این در حالی است که جمهوری اسلامی تاکنون صدها نفر را به جرم پخش مواد مخدر حلق آویز و یا اعدام کرده است، اما اعتیاد به انواع مواد مخدر و روانگردان سنتی و صنعتی همچنان در ایران روبه گسترش است.

ادامه در صفحه ۷

مرگ هاشمی رفسنجانی ایکاش میماند و تاوان جنایت هایش رامیداد.

”یدی شیشوانی“

مرگ اکبر هاشمی رفسنجانی یکی از معماران اصلی نظام جمهوری اسلامی که با ساخت و پاخت قدرتهای امپریالیستی و با انحراف قیام میلیونی توده های زحمتکش مردم و سرکوب گسترده نیروهای انقلابی، دموکراتیک و سوسیالیستی جامعه امکانپذیر شد، عکس العمل های مختلفی رادری داشت. اینکه مهره ایی اصلی از یک نظام سرمایه داری متکی به مذهب ناگهان مرده

باشد روشن است که نه زلزله ای بپا میشود و نه لوله ای براه میافتد و نه سستی و فتور و ناتوانی در اداره جامعه از سوی حاکمیت را موجب میشود. مهره های بزرگتر و کارا تر و موثر تر از هاشمی به سرنوشت او دچار شدند بدون اینکه تحولی عجیب و غریب در ساختار قدرت و سیاست های کلان آن بوجود آید.

ادامه در صفحه ۶

:: ستون طنز ::

در صفحه ۸

* دعوت به شام و شراب و شلاق
* نادر مه مه و کارگران بازنشسته صنایع فولاد

جهان در سالی که گذشت

بحران اقتصادی، بحران مهاجرت میلیونی، تروریسمی که در خلق اش سهم و شریک بودند، «برگزیت» رویگردانی مردم یکی از قدرتهای عمده از شرکای اتحادیه ای خود. رشد سیاستمداران و احزاب راستگرا و پوپولیستی، رشد فاشیسم، خارجی ستیزی تظاهرات و اعتراضات میلیونی کارگران و زحمتکشان که همواره بر طبل مطالباتشان کوبیدند، بدون اینکه گوش شنوایی داشته باشند. مطالبات و مبارزات شان درهای و هوی بحرانیهای داخلی، جنگها و درگیریها و مسئله تروریسم و غیره رنگ باخت. سال گذشته جریان نشست های مکرر سران اتحادیه اروپا در برکسل هیچکدام از مسائل بالا و دلگرائیهای آنها درباره تحولات بین المللی، زیست محیطی مسائل مرتبط با اروپای شرقی، روسیه، بحرانیهای سوریه، لیبی، ترکیه و کل خاورمیانه، خروج بریتانیا از اتحادیه و موج آوارگان و بیکاری و غیره، را بر طرف نکرد و تضاد و درگیری بین جناح های مختلف بورژوازی دریافتن راه حل برون رفت از وضعیت فعلی رو به تشدید است.

سال 2016 در آلمان که به یمن دوشیدن دیگر کشورهای اروپایی از ثبات اقتصادی نسبی برخوردار بود اما از تبعات و عواقب بحران جهانی و کارکرد نئولیبرالیسم در آن نبود. با وجود سطح پائین بیکاری و اقتصادی با ثبات، گوئی مرض سرطان گونه رشد راسیسم و فاشیسم در هنگام بروز بحران و طولانی شدن پیدا کردن راه حل برای آن، همه جا زمین آماده کشت و برداشت را از پیش دارد. در آلمان همزمان با ورود صدها هزار پناهجو به این کشور حزب دست

راستی و پوپولیستی «آلترناتیو برای آلمان» با دامن زدن به هراس عمومی، به پیروزیهایی در انتخابات محلی دست یافت. ترک برداشتن اتحادیه اروپا، ناتوانی کشورهای فقیر اروپایی در پرداخت بدهی هایشان به آلمان و قدرت گرفتن جریان فاشیست و افزایش ناراضی عمومی چالشهای مهمی است که در سال آینده آلمان با آن مواجه خواهد بود. طبقه کارگر آلمان و فعالین سوسیالیست نیز در برابر افزایش قدرت جریان راست و خارجی ستیز وظایف دشواری پیش رودارند و صد ها هزار کارگر از خاورمیانه، آفریقا و آسیای میانه بمتابه کارگر ارزان و خاموش وارد بازار کار آلمان میشوند که ارتقاء سطح آگاهی و آشنا کردن آنها به حقوق شان و هماهنگی شان با جنبش کارگری آلمان از وظایف دشوار پیشروان کارگری آلمان محسوب میگردد.

سال گذشته ایتالیا نیز شاهد یک سری کشمکشهای سیاسی بود که در نهایت در همه پرسه اصلاح قانون اساسی تبلور یافت بیش از شصت درصد رای دهندگان در مخالفت با طرح و برنامه های نخست وزیر آرای خود را به صندوق ها ریختند و وی ناچار به استعفا شد. اما شکست او در واقع راه پیروزی پوپولیستها را فراهم کرد. اما فشار اجتماعی و سرعت تحولات از یکطرف و فقدان آلترناتیو های انقلابی در همه کشورهای اتحادیه اروپا از جمله ایتالیا اکثریت مردم زحمتکش را مثل توپ فوتبال از این صندوق رای به آن صندوق رای پرتاب کرد و یا در جنگ جناح ها برای دور زدن توده های ناراضی به ارم ها و ابزارهایی توصل جوستند که دموکراسی بورژوائی در اختیار

رهبران گذاشته است. در ایتالیا نیز برغم مخالف رای دهندگان با برنامه های طبقه حاکم اما رئیس جمهور ایتالیا وزیر خارجه را بعنوان شصت و چهارمین نخست وزیر ایتالیا منصوب کرد که مورد اعتراض احزابی نظیر جنبش 5 ستاره، حزب پیوند شمال، حزب برادران ایتالیا بخشهای دیگر اپوزیسیون قرار گرفت و این انتصاب را خلاف تمایل رای دهندگان خواندند. در عین حال در ایتالیا نیز با توجه به پذیرش بیش از 170 هزار پناهجو و تبلیغات سرویس های اطلاعاتی درباره احتمال وقوع حملات تروریستی توده های معترض را در حالت بیم و هراس نگهداشته و زمینه رشد جریان راست را فراهم نموده است.

اسپانیا که هنوز از زیر بار قرض های کمر شکن خلاص نشده است و فشار اقتصادی بحرانیهای اخیر بیش از همه بر دوش طبقه کارگر و زحمتکشان این کشور سنگینی میکنند، علاوه بر دامن گستر شدن اعتراضات گسترده خیابانی در سطوح طبقات محروم اجتماعی، انعکاس این وضعیت در هیئت حاکمه این کشور نیز به تشدید تضاد ها و به بحران و بن بست سیاسی دامن زد.

بعد از حدود یکسال بن بست سیاسی پادشاه اسپانیا راخوی را بعنوان نخست وزیر پیشنهاد کرد این در حالی بود که سه حزب سوسیالیست، پودوموس و شهروندان حاضر به تشکیل دولت ائتلافی با وی نشدند. شاه که از روی ناچاری پدرو سانچز دبیرکل حزب سوسیالیست را پیشنهاد نمود این بار پارلمان اسپانیا به وی رای اعتماد نداد اکنون با وجود برگزاری انتخابات مجدد بعد از یکسال که حزب حاکم رئیس دولت را معرفی نموده است اما بدلیل لاینحل ماندن مسائل مشکلات

جهان در سالی که گذشت . . .

و نبود راه حل چالشهای مهم پیش روی طبقه حاکم همچنان باقی است.

فشار اقتصادی و فساد در دستگاه دولتی بریتانیا و عدم اعتماد توده های مردم به الیت حاکم این کشور را در سال گذشته با مسائل مهمی روبرو کرد که در این میان برگزیت یکی از مهم ترین تحولات سیاسی و اقتصادی این کشور در سال 2016 بمثابة پدیده ای دوران انتظار رهبران سیاسی به مشکل نه تنها بریتانیا بلکه کشورهای اتحادیه اروپا نیز تبدیل شده است. رای بریتانیاییها برای خروج از اتحادیه اروپا زلزله سیاسی مهمی بود که منجر به استعفای دیوید کامرون و روی کار آمدن ترزا می، گردید.

کشمکش ها بین اتحادیه اروپا و بریتانیا و همینطور اختلافات داخلی در میان طبقه حاکم این کشور بر سر چگونگی خروج از اتحادیه اروپا، گزارش کمیته تحقیق درباره دخالت بریتانیا در جنگ عراق از جمله رویدادهای جنجالی بود که افکار عمومی را از وضعیت اقتصادی و اجتماعی این کشور منحرف ساخت و امید های واهی برای بهبود زندگی بعد از خروج از اتحادیه اروپا را بوجود آورده است.

درفرانسه نیز که در سال گذشته ده ها اعتصاب و تظاهرات بر علیه تعرض نظام سرمایه داری به حقوق و معیشت کارگران و زحمتکشان راه افتاد. بدنبال چندین عملیات تروریستی فضای امنیتی حاکم بر جامعه و تبلیغات گسترده رسانه ها به احساسات ضد خارجی دامن زده و به افزایش طرفداران احزاب راست افراطی بویژه جبهه ملی به رهبری مارین لوپن شده است و احتمال برنده شدن این حزب راست افراطی نژادپرست

در انتخابات آینده یکی از چالشهای بزرگ محسوب میگردد که علاوه بر تبعات غیر قابل پیشبینی بویژه برای رنگین پوستان، باروی کار آمدن جبهه ملی احتمال پایان حیات اتحادیه اروپا هم دور از ذهن نیست. آنچه که در مرکز این تحولات قرار داشت و مسائل و تنش های مربوط به مهاجرین، عملیات های تروریستی و قدرت گیری راست پرده ساتر روی آن افکند و نگذاشت صدای اش آنگونه که بود به گوشها برسد، همانا اعتراضات و اعتصابات و تظاهرات میلیونی کارگران و زحمتکشان و جوانان این کشور نسبت به وضعیت موجود و تعرض افسار گسیخته صاحبان قدرت به حقوق و معیشت و دست آوردهایشان در سالهای دراز بود. باتوجه به تداوم بحران، سال آینده شاهد گسترش اعتصابات و اعتراضات در فرانسه خواهیم بود و مقابله باتشدید مبارزه طبقاتی همچنان مسئله مهم طبقه حاکم و دستگاه دولتی آن خواهد بود.

شاید یکی از مهمترین نماد دگرگونیهای ناشی از تداوم بحران اقتصادی و نتایج جهانی سازی انتخابات آمریکا باشد. پیروزی غیرمنتظره دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نشانه دیگری از بی اعتمادی و نفرت از سیاستمداران است که به تناوب سالهاست بر آنها حکم میرانند. باوجود این نتیجه این نارضایتی در فقدان آگاهی طبقاتی و تحزب و شکل مستقل طبقاتی کار به جایی که نمیبرد هیچ بلکه از چاله درآمده به چاه رهنمون میشوند. انتخاب ترامپ در واقع فریب توده های رای دهنده با همان شگردها و شعارهای ناسیونالیستی و نژادپرستانه بود که در دیگر کشورهای اروپائی جریانات راست افراطی و نژاد پرست را صاحب قدرت و اقتدار کرده است و در اینجا بایکدست شدن ائتلافی از

نظامیان، امنیتی ها و انحصارات سال دیگر سال چالشهای بیشتر در امریکا و به تبع آن کل جهان خواهیم بود.

خاور میانه

سال گذشته خاور میانه سالی پرتلاطم را پشت سر گذاشت در حالی که آینده ای نامعلوم تنها واقعیتی است که در رابطه با این منطقه میشود به آن باور داشت. حملات تروریستی، تجاوزات نظامی، کودتا، سرکوب، زندان و شکنجه بن بست های سیاسی و اقتصادی، جنگ قدرتهای امپریالیستی بمنظور تجدید تقسیم مناطق نفوذ، جنگهای نیابتی، رقابت و جنگ بر سر قدرت و حفظ حاکمیت، دست اندازی به مناطق نفوذ همدیگر، تشکیل گروه های مسلح مذهبی و قومی و قبیله ای، تحویل سلاح و مهمات و پول و امکانات به آنها، فساد، ارتشاء، دزدی و چپاول مافیای در قدرت دریکسو و ازسوی دیگر تحمیل جنگ و گرسنگی و آوارگی و کشتار نصیب توده های بی پناه. این است تصویری بسیار جزئی از آنچه که در سال گذشته در این منطقه شاهد اش بودیم.

در سال گذشته میلادی ترکیه شاهد رکود اقتصادی، بحران سیاسی حول گذار به سیستم ریاستی، کودتای نظامیان و سال چالشهای مهم در مقابله با جنبش های اجتماعی در داخل و انعکاس آن در سیاست خارجی بود. بدنبال انتخابات ژن 2015 و شکست غیرمنتظره حزب حاکم عدالت و توسعه و از طرفی پیروزیهای نیروهای پیشرو و دموکراتیک کرد در شمال سوریه و استقبال افکار عمومی مترقی جهان از جنبش اجتماعی و مبارزات توده های مردم در رژوا و تاثیر آن بر تحولات ترکیه، این کشور وارد فاز جدیدی از تحولات درونی و سیاست خارجی خود شد.

انفجار در مقر حزب دموکرات کردستان و ضرورت هشیاری نیروهای انقلابی

حزب دموکرات با انتشار بیانیه ای نوشته است: شامگاه سی‌ام آذر ماه (۲۰ دسامبر ۲۰۱۶) یک گردهمایی فرهنگی که به مناسبت شب یلدا (۸۶مین سالروز میلاد د.قاسملو) در قرارگاه دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان و به ابتکار اتحادیه ی جوانان دموکرات شرق کردستان و با شرکت خانواده و مبارزان و اعضای این حزب برگزار شده بود، آماج یک انفجار تروریستی قرار گرفت. همزمان با پایان مراسم، یک بمب در نزدیکی محل مراسم و در مقابل یک فروشگاه و در کنار راه تردد عمومی هرموته - کمپ آزادی منفجر شد. هنگامیکه جمعی از پیشمرگان و پلیسهای مرکز امنیتی مستقر در آن حوالی بمنظور کمکرسانی به محل رویداد می‌رسند، بمب دوم نیز منفجر می‌گردد و در نتیجه بلافاصله شش تن جان خود را از دست داده و چهار تن نیز مجروح می‌گردند که متأسفانه یکی از مجروحین نیز دوازده ساعت بعد از حادثه جان خود را از دست می‌دهد و بدین ترتیب آمار شهدای این اقدام تروریستی به هفت تن می‌رسد.»

پس از این انفجارات آقای خالد عزیزی دبیرکل حزب دموکرات در سخنرانی خود، جمهوری اسلامی را عامل این بمب گذاری اعلام نمود. متعاقب آن پلیس امنیتی اقلیم نیز اعلام نموده است که در این رابطه دونفر را به نام های (ش.ع) و (پ.گ) به اتهام انفجار تروریستی شامگاه سی‌ام آذر ماه امسال (۲۰ دسامبر ۲۰۱۶) در (قرارگاه مرکزی حزب

دموکرات کردستان) در حوالی شهر کویسنجق دستگیر نموده است. اما هنوز بعد از گذشت نزدیک به دو هفته از واقعه، از نتایج تحقیقات دستگاه های امنیتی حکومت اقلیم خبری نیست و درباره هویت و وابستگی این افراد اطلاعات دیگری منتشر نشده و احتمالاً منتشر نیز نخواهد شد.

این واقعت بر کسی پوشیده نیست که رژیم جمهوری اسلامی (که بارها مسئولان اطلاعاتی و امنیتی آن اعلام کرده اند) همواره کوشش کرده و میکند تا با نزدیکی و نفوذ در احزاب و سازمانهای سیاسی، و نهاد ها و مجامع فرهنگی مبارز، نیات پلید خود را نظیر ایجاد اختلال در درون تشکلهای احزاب و سازمانها، تهدید و ترور رهبران و فعالین سیاسی به تضعیف آنها بپردازد. رژیم بارها با استفاده از غفلت رهبری و اعضای این سازمانها ضربات متعددی بر آنها فرود آورده است. اکنون با استفاده از شیوه های دیگری نظیر تله های انفجاری و بمب گذاری در محافل و مراکز تجمع نیروهای مخالف خود، سیاست دهشت اندازی را نیز در دستور قرار داده است که مورد جدید بمب گذاری اخیر در محل تجمع حزب دموکرات کردستان است.

در این میان با توجه به تهدیداتی که در سالهای اخیر متوجه احزاب کردستانی مقیم در اردوگاه های اقلیم بوده است و نظر به سابقه چندین باره ترور رهبران

حزب دموکرات کردستان، و کشف چندین مورد از تحرکات عوامل نفوذی رژیم در این احزاب، جای بسی تاسف و و تعجب است که چرا حزب دموکرات کردستان در حالی فراخوان برگزاری شب یلدا و تجمع در سالروز تولد دکتر قاسملو را داده است که برای حفظ جان شرکت کنندگان در مراسم تدابیر لازم امنیتی اتخاذ نموده است. شکی نیست یکی از دلایل این سبک سری همانا از توهمات پوچ رهبری این حزب نسبت به مصالحه احتمالی با رژیم ناشی میشود. گویا به این تصورند که بعد از اعلام «رویکرد به مبارزه مسالمت آمیز» دیگر رژیم کاری به کار آنها نخواهد داشت، توهمی که قبلاً دکتر قاسملو و دکتر سعید، دبیران کل این حزب را به قربانگاه رژیم کشاند. و صد البته کم تجربگی رهبران این احزاب راهم باید مدنظر قرارداد که بیشتر تجربه آنها دوره ای را شامل میشود که بصورت علنی در مناطق آزاد کردستان فعالیت میکردند.

تعجب آور است که رهبران حزب در بیانیه خودشان اعلام میکنند که: ... رژیم تنها در اقلیم کردستان در دهه ی ۹۰ میلادی، دهها جنایت تروریستی بزرگ را علیه نیروهای سیاسی و مبارزان کرد کردستان ایران و خانواده هایشان انجام داده است که به قربانی شدن صدها تن انجامیده. علاوه بر این کارنامه ی سیاهی که جمهوری اسلامی ایران در ترور مبارزان سیاسی مخالف این رژیم در اقلیم کردستان داراست، در ماههای گذشته، فرماندهان سپاه پاسداران بطور صریح و مدام تهدید کرده اند که در داخل خاک

ادامه در صفحه بعد...

انفجار در مقر حزب دموکرات کردستان ...

اقلیم و در هر جایی که لازم بدانند، به دمکراتها و مراکز و قرارگاههای آنان ضربه می‌زنند.» علاوه بر این وقتی در بیانیه خود اعلام میکند: طی چند سال اخیر از روند خنثی کردن توطئه‌های این رژیم و تحقیق از عوامل گسیل شده‌ی وابسته به اطلاعات و دستگاههای جاسوسی جمهوری اسلامی به درون حزب‌ما، گردآورده‌است. بر اساس اطلاعات کسب شده، اطلاعات و سپاه پاسداران ماهها است که برای خرابکاری و انجام انفجار و اقدامات تروریستی دیگر در داخل قرارگاهها و مقرات حزب و علیه مسئولان و مبارزان حزبی در تلاش هستند.» حزب دموکرات کردستان در واقع اعتراف میکند که اولاً ضربات اصلی از سوی افراد نفوذی سپاه و عوامل اطلاعاتی رژیم در حزب صورت گرفته و در ثانی از عان میدارند که « مدت‌ها قبل از این به سیاست رژیم در نفوذ دادن افراد جاسوس و تروریست خود در حزب مطلع بودند و ثالثاً خود رژیم هم بارها هشدار داده که در این احزاب نفوذ کرده و بموقع ضربه خواهد زد . با این وجود پرسش این است که حزب دموکرات و سایر احزاب مقیم اردوگاه‌ها از چه روی بدون چک امنیتی هردخواست کننده‌ی ای را وارد حزب خود میکنند و دوم اینکه با وجود مطلع بودن از وضعیت نفوذی‌ها در اردوگاه‌های خود و با وجود اینکه بارها از این طریق ضربه خورده اند چرا باز هم از روی بی‌مسئولیتی هنگام برگزاری

اجتماعات حزبی خویش از رعایت مسائل امنیتی عاجز هستند؟

برنامه جدید رژیم در ضربه زدن به جریان‌های سیاسی مخالف اقدامات چند سال اخیر رژیم در ترور مخالفان خود و نیز اقداماتی که بر علیه احزاب کردایرانی مقیم در اردوگاه‌های اقلیم کردستان انجام داده است، مبین این واقعیت است که رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب و ترور و مقابله با احزاب و سازمانهای سیاسی مخالف خود از روشهای جدیدی استفاده میکند که نفوذ دادن عمال و جاسوسان و تروریست‌های خود در درون احزاب و سازمانها یکی از آنها است. رژیم از این طریق اطلاعات لازم را از کمیت و کیفیت نیروهای سیاسی جمع‌آوری میکند و به شناسائی امکانات و نقاط قوت و ضعف آنها می‌پردازد. از اقدام به خرابکاری در درون این تشکیلات‌ها گرفته تا ایجاد روحیه یاس و ناامیدی و جاسوسی و ارتباط‌گیری و نفوذ و گسترش شبکه‌های خود در تمام سازمانها و در موارد لزوم ترور و بمب‌گذاری از وظایف عوامل آنها محسوب میشود. علاوه بر آن با توجه به وجود گروه‌های مختلف تروریستی و مافیائیکه امروزه در همه جای دنیا به سلاح و سایر تجهیزات دسترسی دارند حاضرند با بادیافت مبلغی به هر اقدام جنایتکارانه‌ای دست بزنند نیز بعنوان امکان دیگری در بمب‌گذاریها و شناسائی

و ترور افراد مخالف توسط دستگاه‌های امنیتی رژیم به کار گرفته میشوند. با توجه به همه این فاکت‌ها، عدم هشجاری سازمانهای سیاسی مخالف رژیم، بویژه سازمانهای انقلابی، قابل توجیه نیست و ادامه این وضعیت میتواند برای امنیت و ادامه کاری آنها نتایج فاجعه‌باری را به دنبال داشته باشد. بویژه ماموران رژیم در منطقه کردستان در شرایط فعلی از امکان عمل بیشتری برخوردارند. با وجود ده‌ها عامل رژیم در پوشش شرکتها و مجامع مختلف در کردستان، از یکسو و ناتوانی احزاب مستقر در این منطقه برای کنترل رفت آمد‌ها و معیارهای مخفی‌کاری خطر بیشتری را متوجه این نیروها میکند. همکاری مشترک در شناسائی و کشف عوامل و نفوذی‌های رژیم و تحرکات آنها در منطقه میتواند راه کار مناسبی برای مقابله با نقشه‌ها و توطئه‌های رژیم باشد. و در این رابطه امید بستن به اقدامات ارگانه‌های امنیتی اقلیم که خود بیش از همه آلوده مسائل امنیتی هستند، هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد. اقدامات تروریستی رژیم در بمب‌گذاری اخیر مقابل محل تجمع حزب دموکرات کردستان، نه اولین بار است و نه آخرین بار خواهد بود. تهدیدات را باید جدی گرفت و به طریق اصولی و انقلابی با آن به مقابله پرداخت.

خ- عمواغلی

در ماه گذشته اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مختلفی بمناسبت رویدادای سیاسی از طرف شورای مرکزی و کمیته‌های سازمان منتشر شده است. برای مطالعه آنها به سایت سازمان مراجعه فرمائید.

www.fedayi.org

مرگ هاشمی رفسنجانی ایکاش میماند و تاوان جنایت هایش رامیداد.

مرگ هاشمی و نقش آن در انقلاب خواست از این طریق جناح مورد نظر خودش را تقویت کند و به مردم بقبولاند که آطور هم که میگویند نیست، هستند باند‌هایی جمهوری جهل و جنایت را ملایم تربکنند. این رسانه ها که باخرج میلیارد‌دهادار همه تحولات را صد میکنند تادر راستای اهداف خود افکار عمومی رامهندسی کنند تمام تحلیلگران ریز و درشت شان را به کار گرفتند و در وصف محاسن و دمکرات منشی او و بلطبع هواداران اش، ساعتها به ارائه نظر و تحلیل پرداختند.

هاشمی رفسنجانی چه کاره بود؟ وی در انحراف جنبش انقلابی توده مردم ایران، در استقرار رژیم استبداد دینی و ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه و تداوم حیان خونبار رژیم نقش مهم و اساسی بر عهده داشت. او از همان ابتدا در سرکوب مخالفین، کشتار زندانیان سیاسی در سال 67، سازماندهی قتل‌های زنجیره ای، ترور مخالفین در خارج کشور، ادامه جنگ 8 ساله، شکل دادن به دولت رانتی و سازماندهی مافیای قدرت ثروت، سرکوب اعتراضات و اعتصابات کارگری و اعتراضات سایر زحمتکشان، زندان، شکنجه و کشتار و تبعید در گرانديشان، زنان، روشنفکران و هنرمندان، سرکوب ملیت‌های تحت ستم و استثمار، زنان، دانشجویان، تصفیه دانشگاهیان، بستن دانشگاه‌ها، مجلات و روزنامه‌ها و گسترش فقر و فساد، اعتیاد، قاچاق و اختلاس و دزدی، نقش درجه اول داشت. به این لیست میشود سیاهه طولانی از عملکرد او اضافه کرد. او نام اش بار رژیم جمهوری اسلامی که جز مرگ و نیستی و

گیها و اتورریته معنوی، مذهبی و سیاسی او را نداشت، اما بجای او نشست و سیستم با ایزار پول و سرکوب به کار خودش ادامه داد.

حال پرسیدنی است بامرگ هاشمی رفسنجانی 82 ساله که بقول طرفداران اش مدت‌ها بود که در جنگ جناح‌های مافیای حاکم به حاشیه رانده شده بود و عملاً در حاکمیت و اداره کشور مثل سابق تاثیر مهم و تعیین کننده ای نداشت، چه اتفاقی افتاده است که از یکطرف رژیم و تمام جناح‌های متعارض اش در مرگ اش اشک ریختند، در مراسم اش شرکت جستند و در تشییع جنازه اش سنگ تمام گذاشتند و هم «اپوزیسیون» اش در داخل و خارج از کشور از او تعریف و تمجید کرده و در مرگ اش ماتم گرفتند و هم برخی جریان‌های سیاسی نافی کلیت رژیم و سرنگونی طلب قضیه راجدی گرفته و با دادن اعلامی و نوشتن تحلیل خواستند از قافله عقب نمانند. در این میان رادیو تلویزیون‌های امپریالیستی در راس آنها بی بی سی سنگ تمام گذاشت و با اختصاص چند روز از برنامه خود به

مرگ اکبر هاشمی رفسنجانی یکی از معماران اصلی نظام جمهوری اسلامی که با ساخت و پاخت قدرتهای امپریالیستی و با انحراف قیام میلیونی توده‌های زحمتکش مردم و سرکوب گسترده نیروهای انقلابی، دموکراتیک و سوسیالیستی جامعه امکانپذیر شد، عکس العمل‌های مختلفی رادری داشت. اینکه مهره‌ای اصلی از یک نظام سرمایه داری متکی به مذهب ناگهان مرده باشد روشن است که نه زلزله ای پیا میشود و نه ولوله ای براه میافتد و نه سستی و فتور و ناتوانی در اداره جامعه از سوی حاکمیت را موجب میشود. مهره‌های بزرگتر و کارا تر و موثر تر از هاشمی به سر نوشت او دچار شدند بدون اینکه تحولی عجیب و غریب در ساختار قدرت و سیاست‌های کلان آن بوجود آید. خمینی نمونه ای از آن است که با وجود اقتدار مطلق و اتورریته ای عظیم و توهم توده‌های میلیونی در ضعیف‌ترین دوران حاکمیت مرد بدون اینکه از این مرگ خطر غیر مترقبه ای حاکمیت را تضعیف و یا تهدید کند. با وجود اینکه جایگزین و جانشین آن هیچکدام از ویژه

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست با اتکا به خط مشی روشن و مشخص که حاصل جمع‌بندی نقاط ضعف و قدرت جنبش کمونیستی و تحلیل ارزیابی از شرایط ایران و جهان تدوین و تصویب شده اند در راه تحقق آرمان انسانی آزادی و سوسیالیسم مبارزه میکند و در تلاش است تا بتدریج با شیوه ای اصولی و انقلابی بخش‌های ضربه خورده سازمان را نوسازی کرده و در این راه از همه رفقای فدائی و کمونیست دعوت کرده تا به سازمان به پیوندند و انرا در راه رسیدن به آرمانهای انسانی خود یاری رسانند. سازمان فدائیان کمونیست با پیگیری روش‌های درست و اصولی و انقلابی کماکان در راه نوسازی سازمان، وحدت جنبش کمونیستی ایران، اتحاد سوسیالیستها و تمامی آزادی خواهان واقعی که برای آزادی از یوغ ستم و استثمار و زور و سرکوب مبارزه میکنند به تلاش خود ادامه خواهد داد.

اعتیاد و پخش مواد مخدر ایزاری در دست ارتجاع حاکم برای سرکوب خاموش جامعه

”سالار حسامی“

نگران آنند که در سایه اقتصاد ورشکسته و بحران زده رژیم جمهوری اسلامی دیو اعتیاد کی زنگ خانه آنها را صدا در می آورد . اعتیاد ضمن اینکه خود یک مصیبت عظیم اجتماعی است عواقب خانماسوز دیگری مثل دزدی، فحشا، خود فروشی، خود کشی، مرگ در خیابان و حتی فروش کودکان معصوم بمنظور تامین مخارج اعتیاد و غیره را به دنبال دارد . بطور مثال و بنا به گزارش روزنامه حکومتی اعتماد در گزارشی با عنوان «بازار بچه‌فروشان» که سه‌شنبه ۲۹ بهمن ۱۳۹۲، در این روزنامه منتشر شد بود، به خرید و فروش گسترده کودکان در «دروازه‌غار» تهران اشاره کرده است. در این گزارش آمده این بازار مانند وال‌استریت است، با این تفاوت که این‌جا با بچه تجارت می‌کنند . از صد هزار تومان تا پنج میلیون تومان، قیمت کودکانی است که بنا بر این گزارش در دروازه غار خرید و فروش می‌شوند.

یکی از مسائلی که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی از همان بدو موجودیت خود همیشه برای "ریشه کن" ساختن آن به انواع و اقسام شیوه‌ها توسل بسته مسائله مواد مخدر بوده است . آنچه مسلم است جمهوری اسلامی با قانون و بی قانون تاکنون صدها نفر را به جرم اشاعه اعتیاد به جوخه های اعدام سپرده است . اما علیرغم این اعدام‌ها و کشتارهای بی‌محابای سران رژیم نه تنها اعتیاد از میان نرفته بلکه دامنه هر چه مخرب‌تر و گسترده‌تری نیز یافته است . بهمین دلیل نمیتوان گفت که افزودن تعداد اعدامیهای معتاد به مواد

مادام که مردم جزء تیره بختی هیچ چشم اندازی برای آینده خود نمی‌بینند رواج انواع مصائب از جمله اعتیاد، فحشا و جنایت سیر تصاعدی خواهد داشت . بخصوص در سایه جمهوری اسلامی که خود از بزرگترین تویض کنندگان مواد مخدر در سطح جهان است . آمارها نشان می‌دهد که افغانستان ۷۴ درصد خشک‌خاش جهان را تولید می‌کند و با توجه به اینکه ایران به عنوان گذرگاه مهم عبور مواد مخدر و تغذیه کننده جهان محسوب می‌شود، نقش ارگانهای حکومتی از جمله سپاه پاسداران در این تجارت غیر قابل انکار می‌شود . طبق گزارشات سایت "ویکیلیکس" پس از دستیابی به اسناد سری وزارت خارجه آمریکا از نقش جهانی سران رژیم در قاچاق مواد مخدر پرده برداشت . روزنامه "دی ولت" در اواخر سال ۲۰۱۱ با استفاده از اخبار منتشر شده توسط ویکیلیکس نوشت: "درآمد سپاه پاسداران از قاچاق مواد مخدر به اروپا بالغ بر چندین میلیارد یورو است . بر اساس این اسناد، مواد مخدر توسط ایران به آذربایجان منتقل می‌شود و از آن‌جا به اروپا صادر می‌گردد."

در داخل کشور اعتیاد و قاچاق مواد مخدر روز به روز ابعاد وسیعتری بخود گرفته و دلالتان مواد مخدر در سایه حمایت رژیم جمهوری اسلامی عرصه جامعه را به بازار بزرگ خرید و فروش و مبادله مواد مخدر سنتی و صنعتی تبدیل کرده اند . هزاران خانواده بهم ریخته اند . هزاران خانواده دیگر با یاس و ناامیدی قربانیانی از این بیماری را در جمع خود دارند و صدها خانواده نیز

مخدر موجب کاهش این افراد و حل چنین معضل اجتماعی می‌گردد . آنچه که بایستی به آن فکر کرد این است که روزانه هزاران تن موادمخدر چگونه پخش می‌گردد و چگونه و از جانب چه نهاد و ارگان قدرتمندی تولید می‌گردد و پخش می‌شود .

جمهوری اسلامی از ابتدای بقدرت رسیدنش منشا گسترش و اشاعه تمامی اعمال نفرت انگیز و زشت نظام سرمایه داری آنهم در آشکارترین شیوه ممکن بوده که مواد مخدر نیز بعنوان یکی از ابزارهای سیه روزی توده های مردم و اسارات آنها از جانب نظام سرمایه داری ایران که جمهوری اسلامی بعنوان روبنای سیاسی آن بشمار می‌رود ارزیابی می‌گردد.

رژیم ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی از همان ابتدای قبضه کردن قدرت به فتوای خمینی برای تامین مخارج نظامی به قاچاق مواد مخدر مشغول گردید و سراسر کشور از پخش ارزان مواد مخدر به عنوان ایزاری علیه جوانان استفاده کرد.

واقعیت این است که باندهای اصلی تولید مواد مخدر و قاچاق آنها نه تنها در داخل کشور بلکه صدور آن به اقصی نقاط جهان هم دست اندرکاران خود جمهوری اسلامی هستند .

همه شواهد حاکی از آن است که تولید مواد مخدر و فروش آن یکی از منابع درآمد عظیم جمهوری اسلامی است . بیهوده نیست که در همه "کشفیات" مامورین جمهوری اسلامی باندهای گرداننده چرخ تولید این مواد همیشه مجهول باقی می‌ماند و تنها اسامی عوامل حمل و توزیع مواد مخدر اعلام می‌گردد . ولی تولید و توزیع مواد مخدر همچنان ادامه می‌یابد و بر انبوه قربانیان روزبروز افزوده می‌شود .

ادامه در صفحه بعد...

ستون طنز



زیر نظر طنناز ممدقلی زاده

دعوت به شام و شراب و شلاق

در اخبار مرتباً میخوانیم که به کوشش جان برکفان لشکر اسلام عده ای زن و مرد در عروسی و یا جشن تولد و اینها دستگیر شدند برخی از آنها بدلیل نوشیدن مسکرات و برخی دیگر بدحجابی و بعضی هم صرفاً شرکت در جشن و احياناً آوازی ورقصی شلاق خوردند و روانه بازداشتگاه شدند.

زیدی در تدارک جشنی بود و عده ای از زنان و مردان جوان و میانسال را دعوت کرده بود تا رقص و شادی بکنند و دمی هم شده گرد روزگاران تن بزدايند. باشنیدن خبر حمله و هجوم لشکر امام زمان به مراسم عروسی همکارش روانه کلانتری محل شد و بعد از سلام علیک و کلی انتظار افسر نگهبان را دید و ماجرا را برای او تعریف کرد و خواست تا مجوز برگزاری جشن را بگیرد که خیالش از حمله سربازان امام زمان راحت بشود. افسر نگهبان مجوز را نوشت و کف دست اش گذاشت. زید برگشت و دعوتنامه ای با این مضمون برای مدعوین فرستاد.

دوست عزیزم . بعد از سلام و تهیت روز جمعه ساعت 8 شمارا به صرف شام و در صورت امکان کمی شراب و شلاق دعوت میکنم اگر پایتان به پاسگاه ، پایگاه و جاهای دیگر رسید و خدای نکرده روانه زندان اوین شدید دیگر مسئولیت آن با من نیست!! بی صبرانه منتظر دیدار شما والده و بچه ها هستم .

نادر مه مه و کارگران بازنشسته صنایع فولاد

«تجمع کنندگان جلوی مجلس شعارهای بدی می دهند»

اخیراً بازنشستگان صنایع فولاد برای پیگیری مطالباتشان جلوی مجلس تجمع کردند و میخواستند معوقات بازنشستگی و پاداش پایان خدمت شان را بدهند.

این نمایندگان کارگران بازنشسته فولاد که سیصد نفری میشدند جمع شده بودن و فریاد میزدند که: آقا حقوق بازنشستگی ما چی شد؟ معوقات م رامولاًخور کرده اند ماه ها است که از این در به آن در میزنیم و سرآخر باجیب خالی و شکم گرسنه برمیگردیم ... از این حرفها که یکبار سر و کله آقای نادر قاضی پور نماینده خیلی محترم و با ادب و کمال ارومیه در مجلس شورای اسلامی ، عضو کمیسیون صنایع و همچنین عضو رهبری فراکسیون ترکها پیدا شد.

ادامه در صفحه ۱۴

اعتیاد و پخش مواد مخدر ابزاری در دست ...

دلیل این امر در این است که قاچاق مواد مخدر نیز مثل تمامی مواردی از این قبیل ، در دست باندهای حاکم خود جمهوری اسلامی است . کشف صدها کیلو مواد مخدر نیز تنها زمانی علنی می شود که درگیری داخلی این باندها منجر به بیرون افتادن مساله رقابت گروههای مختلف حاکمیت در اشاعه اعتیاد و به جیب زدن سودهای باد آورده به قیمت تباه نمودن زندگی میلیونها نفر میشود . آنها در این رقابتهای بیشتر به سودهای هنگفت خود و گسترش حوزه عمل باندهای بر باند دیگر می اندیشند تا مساله اعتیاد و ویرانگری آن .

قوانین جمهوری اسلامی بدون آنکه کاری به منشأ و سرچشمه اشاعه مواد مخدر داشته باشد بمنظور انحراف افکار عمومی و گسترش فضای رعب و وحشت ماشین کشتار خود را به کار میاندازد و صدها تن از قربانیان حرص و ولع نظام فاسدی که خود بر مردم حاکم گردانیده و دلیل اصلی تمامی سیه روزیهاست ، اعدام میکند . و در این میان هم ادعای مبارزه با مواد مخدر میکند و هم توزیع کنندگان اصلی مواد مخدر که کسانی بجز سردمداران رژیم نیستند با خیالی اسوده و بدون هیچگونه هراسی به تولید و توزیع مواد مخدر ادامه میدهند . جمهوری اسلامی نه تنها نمیخواهد بر علیه مواد مخدر مبارزه کند بلکه گسترش و اشاعه مواد مخدر را بعنوان یکی از ابزارهای حاکمیت ننگین سرمایه در سیه روزی توده های مردم و اسارت آنان لازم میدانند . افزون ثروت و مال اندوزی سرمایه داران در گرو گسترش مواد مخدر ، تن فروشی ، و هزاران مصیبت و سیه روزی است که نظام سرمایه داری برای توده ها به ارمغان آورده است . تنها با مرگ و سقوط نظام سرمایه داری و محو استثمار و منفعت طلبی بی حد و حصر سرمایه داران و حامیان آنها است که نسل انسان از قید و بند هزاران مصیبت اجتماعی که زندگی او را تهدید می کند ، آزاد خواهد ساخت . آنزمان است که انسان استثمار نخواهد گشت و خود صاحب دسترنج خویش خواهد شد و غارت و دزدی معنی خود را در جامعه از دست خواهد داد.

سالار حسامی

جهان در سالی که گذشت...

حزب حاکم عدالت و توسعه به رهبری اردغان که خود تغذیه کننده گروه های جهادی درسوریه بود در مواجهه با نتایج انتخابات ژوئن و بمنظور جلب پشتیبانی جریانات ناسیونالیستی و تغییر توازن قوا و پیدا کردن بهانه برای تجدید انتخابات با نسبت دادن یکسری انفجارات و عملیات تروریستی به نیروهای پ.ک.ک یورش همه ای را به شهر های کورد در جنوب و جنوب شرق ترکیه آغاز کرد و همزمان به دستگیریهای گسترده ای در شهرها دست زد.

این اقدامات نظامی در عرصه سیاسی نیز بصورت گسترده ای علیه نیروهای مخالف بمورد اجرا گذاشته شد. علاوه بردستگیریهای گسترده، مصونیت سیاسی نمایندگان مخالف، علی الخصوص حزب دموکراتیک خلقها (ح.د.پ) سلب و این حزب و فعالین آن به همدستی با پ.ک.ک متهم شدند و بلافاصله رهبران این حزب به همراه عده دیگری از نمایندگان آن در مجلس دستگیر و روانه زندان شدند. علاوه بر آن تمام شهرداران منتخب مردم در شهرهای کردنشین نیز دستگیر شدند. در جریان این سرکوبها بویژه در مناطق کردستان ترکیه و انفجارهای پی در پی در شهرهای مختلف، تشدید بحران اقتصادی و تنش در سیاست خارجی به علاوه کودتای بخشی از نظامیان و سران ارتش در جریان این ناآرامیها، ترکیه را بایک بحران بزرگ دیگر سیاسی مواجه کرد. بدنبال شکست این کودتا بیش از نیمی از سران ارتش و بخش زیادی از افسران به اتهام دست داشتن در کودتا و همکاری با فتح الله گولن اخراج شدند. پاکسازی گسترده در ارتش و نیروهای امنیتی و بیش از 40 درصد قضات

و دادستانها بیش از 35 هزار معلم و نزدیک به 150 هزار از دستگاه های دولتی تصفیه و اخراج شدند و به بهانه کودتا جو سرکوب و خفقان و فشار به رسانه های گروهی بادستگیری فعالین جنبش های اجتماعی، روزنامه نگاران و روشنفکران بمورد اجرا گذاشته شد.

ترکیه به تبع پیشبرد سیاست سرکوب و کشتار در داخل با چالشهای بزرگ در سیاست خارجی نیز مواجه شد. تنش با روسیه بدنبال سرنگونی جنگنده روسی. اختلاف با امریکا بر سر تحویل ندادن عبدالله گولن و عدم حمایت واشنگتن از سیاست اردوغان در قبال نیروهای کرد دموکراتیک و خودمدیریتی سوریه، شکست سیاست حمایت از گروه های از تجاعی مسلح، تنش با اتحادیه اروپا از جمله مشکلات و چالشهای بود که ترکیه در سال گذشته با آن مواجه بود.

در اواخر سال دولت ترکیه در تلاش برای مدیریت این بحرانها همزمان با پیشبرد سیاست سرکوب در داخل به عادی سازی روابط خود با مسکو پرداخت. اما تنش با امریکا بدلیل همکاری با حزب اتحاد دموکراتیک سوریه و یگانهای مدافع خلق که از سوی دولت ترکیه تروریستی و وابسته به پ.ک.ک قلمداد میشوند همچنان پرتنش است. در سال گذشته ترکیه بمنظور امحای خودمدیریتیهای کردستان سوریه و سرکوب نیروهای یگانهای مدافع خلق که عمده ترین بار مبارزه با داعش را بردوش کشیده و در فضای مختنق منطقه و جریانات ارتجاعی اسلامی و دول مرتجع یک سیستم کنفدرال دموکراتیک را پایه ریزی کرده اند، به مداخله نظامی درسوریه و عراق دست زد و تحت عنوان عملیات سپرفرات تصمیم گرفت منطقه حائل بوسعت 100 کیلو متر با

عمق 50 کیلومتر در مرزهای ترکیه با سوریه را ایجاد کند. اردوغان مدعی است که باپاکسازی الباب و به پاکسازی منچ ورقه دست خواهد زد. در ماه های پایانی سال 2016 و بعد از پس گرفتن شهر حلب و افزایش قدرت روسیه، به نظر میرسد آنکارا نیز ادعاهای قبلی خود را کنار گذاشته و به راه حل سیاسی گردن نهاده است. اینکه این ائتلاف با روسیه و ایران تا چه حد پایدار خواهد ماند و آیا مذاکرات در سال آینده به نتیجه خواهد رسید یانه و به دنبال آن موضع این ائتلاف در برابر نیروهای دموکراتیک سوریه و یگانهای مدافع خلق به کجا خواهند رسید، چالشهایی است که ترکیه از آغاز سال 2017 با آنها مواجه خواهد بود. مشکل مهم دیگر کشیده شدن عملیات مسلحانه به داخل شهرهای ترکیه است که در سال گذشته با بیش از 20 حمله و انفجار توام بوده است با تعداد زیادی کشته و بیش از دوهزار مجروح و ورشکستگی صنعت توریست این کشور که یکی از عمده ترین منابع اقتصادی آن محسوب میشود. اینها از جمله مشکلاتی است که در کنار جنگ با جنبش انقلابی کردستان، یکی دیگر از چالشهای بسیار بخرنج دولت آقای اردوغان در سال آینده خواهد بود.

عراق نیز در سال 2016 سالی پر تنش را پشت سر گذاشت. عراق از زمان حمله امریکا و سقوط صدام حسین که با درهم شکستن الیگارشی حاکم و فروپاشی دستگاه دولتی و سیستم مقتدر قبلی همراه بود، بعد از گذشت بیش از 13 سال کماکان فاقد یک ساختار دولتی منسجم است. ساختاری مبتنی بر سازش گروه های مختلف ملی، مذهبی و قومی، از یکسو و دخالت های قدرت های بزرگ امپریالیستی

ادامه در صفحه بعد...

جهان در سالی که گذشت . . .

ونقش مهم جمهوری اسلامی در سیاست گذاری عراق و حضور داعش در بخش مهمی از خاک این کشور، افزایش نارضایتی عمومی، اختلافات با اقلیم کردستان، رقابت دولت های مرتجع منطقه نظیر عربستان سعودی و ایران و قطر در داخل خاک عراق .. از سوی دیگر این کشور را در مجموعه پیچیده ای از بحران ها و تضاد ها درگیر کرد. در سال گذشته در حوزه اجتماعی فساد و ارتشاء و رانت خواری در مجموعه مافیای حاکم و فقر و فلاکت و کشتار های بی رحمانه در میدانهای جنگ و در بمب گذاریهای خیابانی را شاهد بودیم. این عوامل در حوزه سیاسی تاجائی پیش رفت که این کشور را عملاً در آستانه فروپاشی قرار داد. سال گذشته عراق سعی کرد به کمک آمریکا و ایران با کسب پیروزیهای برداعش در منطقه انبار و صلاح الدین و سپس تلاش برای بازپس گیری موصل با جریانات سیاسی داخلی به نحوی هر چند شکننده به توافق رسیده و بحران از هم پاشی را از سر بگذراند. معهدا با ورود ترکیه به شمال عراق و استقرار نظامیان آن در بعشیکه و حمایت بارزانی از اقدام ترکیه بار دیگر شکاف و نگرانی را در دستگاه سیاسی عراق افزایش داد همزمان حضور پررنگ ایران و سازمان دهی هشتاد الشعبی تنش در روابط خارجی را تشدید نمود.

در حوزه اقتصادی نیز عراق شاهد گسترش شکاف طبقاتی عظیم و افزایش فقر و فلاکت توده های زحمتکش مردم بود. بیشتر درآمد عراق متکی به نفت و کمک های خارجی است که علاوه بر چرخاندن بورکراسی و ماشین جنگی، اما بخش اعظم این درآمدها

عملاً بین گروه ها و دستجات حاکم تقسیم میشود. سال گذشته با توجه به پائین آمدن قیمت نفت دولت مجبور شد بودجه ریاضتی 70 میلیارد دلاری را در مجلس خود بتصویب برساند با این حال این بودجه با کسری 18 میلیارد دلاری مواجه است که به نظر نمیرسد جز قرض خارجی منبعی برای تامین آن وجود داشته باشد. بنابراین بحران اقتصادی عراق در سال آتی تشدید خواهد شد و با توجه به هزینه های سرسام آور بورکراسی حاکم و باند های مافیائی مختلف که درآمد حاصل از نفت و غیره را بین خود تقسیم میکنند و نظر به تشدید بیکاری که فعلاً جنگ در جبهه های گسترده و فراخوان جوانان به خدمت در ارگانهای نظامی بر آن سرپوش گذاشته است، احتمال برآمد اعتراضات توده ای و تشدید اختلافات در هرم قدرت و تشدید خشونت ها که سال گذشته به بیش از 13 هزار کشته و ده ها هزار مجروح برجای گذاشت، سال آینده نیز همچنان از چلشهای بزرگ خواهد بود.

از درون جنگ و کشتار بی رحمانه و آوارگی میلیونی توده های مردم بی پناه هنوز کورسویی از خلاصی دیده نمیشود تجدید تقسیم مناطق نفوذ در پی لاینحل ماندن بحران سرمایه داری و تبعات آن به فجایع و جنایات بیشماری در منطقه خاورمیانه بویژه در سوریه منجر شده است. اما بحران سوریه و جنگ و کشار در آن که تاکنون به کشته شدن صدها هزار و آوارگی و در بدری میلیونها نفر و از هم پاشی زیرساخت ها و معابر و مساکن این کشور منجر شده است طی نیمه دوم سال گذشته دچار تحول شده است. دخالت نظامی روسیه توازن قوای مختلف خارجی و داخلی موجود در صحنه نبرد در سوریه را تغییر داد و به تسلط کامل دولت سوریه بر حلب، دومین شهر

صنعتی بزرگ این کشور و نقطه استراتژیک درگیریهای طرفین منجر شد.

با توجه به پشتیبانی آمریکا و غرب از نیروهای مسلح بقول آنها «میان رو» و حملات نظامی روسیه بر علیه آنها، تضاد بین استراتژی غرب و جبهه روسیه در این دوره تشدید شد با وجود حملات بعدی روسیه و باز پس گیری پالمیرای تحت تسلط داعش اما هنوز این تضاد باقی است چراکه آمریکا با تضعیف نیروهای مورد پشتیبانی خود در رسیدن به اهداف اش ناتوان خواهد بود یا حداقل مجبور است امتیازات بیشتری را به طرف های مقابل بدهد. به هر حال اکنون که روسیه در صحنه نظامی و دیپلماسی نسبت به آمریکا و متحدین آن دست بالا را دارد سرنوشت این تناقضات و تضاد ها بستگی به سیاست آمریکا در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ دارد.

امادر جریان این تحولات ترکیه که بیشتر در سیاست منطقه ای خودش باشکست های متعددی مواجه شده بود، بانگرانی از ظهور خودمدیبریتهای شمال کردستان سوریه و تأثیر آن در جنبش کردستان ترکیه، سرکوب و به عقب راندن این نیروها را یکی از اهداف استراتژیک خود قرار داده بود. نیروهایی که فی الحال در جنگ با داعش از پشتیبانی آمریکا برخوردار هستند، در مذاکره با روسیه و ایران دو متحد اصلی اسد از اگوست 2016 نیروهای نظامی خود را در چهار چوب عملیات «سپرفرات» وارد شمال سوریه کرد. اکنون برغم فتح حلب و شکست چندین باره آتش بس از سوی طرفین این بار آتش بسی به ابتکار روسیه و به همراهی ایران و ترکیه برقرار شده است. اما کشت و کشتار و آوارگی توده های مردم در این کشور

جهان در سالی که گذشت . . .

کماکان ادامه دارد با انتخاب دونالد ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا و مواضع او در قبال بحران سوریه و همسودانستن عملیات ارتش سوریه در سرکوب داعش با اهداف آمریکا هر چند جبهه روسیه، ایران و اسد در سوریه را تقویت کرد. مع هذا اینکه در آینده قدرت های امپریالیستی در تجدید تقسیم مناطق تحت نفوذ خود تاچه حد به توافقاتی برسند که موجبات قطع جنگ در سوریه فراهم گردد به پارامترهای زیادی مربوط است که با روشن شدن استراتژی جدید آمریکا در منطقه و در قبال متحدین اش آنرا روشن خواهد شد.

باتوجه باینکه طبق روال همیشگی ارزیابی از اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران در آغاز سال نو خورشیدی مفصلا بررسی و جمع بندی خواهد شد در اینجا مختصر اشاره میکنیم که ایران نیز مثنئتی از وضعیت بحرانی و جنگ و درگیریهای خاورمیانه و کشمکشهای درونی نبوده است. سال گذشته برغم لغو بخشی از تحریمها و به حراج گذاشتن منابع ملی و عرضه نیروی کار و بازار به سرمایه گذاران بین المللی و دادن وعده وعید های بسیار پس از برجام اما بحران اقتصادی همچنان تداوم داشته و دولت سعی میکند درآمد حاصل از افزایش صادرات نفت را به حساب رشد اقتصادی بگذارد مع هذا افزایش بیکاری، تعطیلی کارخانه ها، تعویق چندین ماهه در پرداخت حقوق و دستمزد کارگران و کارمندان، رشد بی سابقه فساد، رانت خواری، اعتیاد، بی خانمانی، و اعتصابات و اعتراضات گسترده توده های کارگر و زحمتکش تظاهری از بحرانی است که در اعماق جریان دارد. رژیم در داخل با طوفانی از نارضایتی عمومی و بهزبان دیگر،

فی الواقع با درگیری طبقاتی مواجه است. در عین حال در عرصه خاورمیانه، در عراق، سوریه، یمن، افغانستان و برخی کشورهای آفریقا عملا در حال جنگ است و به جزئی از روندی تبدیل شده است که در کشورهای درگیر در خاورمیانه جریان دارد. سرکوب جنبش طبقه کارگر و سایر جنبشهای اجتماعی، دستگیری رهبران عملی این جنبشها، سرکوب روزنامه نگاران، روشنفکران و فعالین مدنی و مبارزین علیه ستم ملی و جنسی در داخل، با شرکت در جنگهای نیابتی در خارج و ایجاد حول و هراس از سرایت این جنگها به ایران بمنظور خفه کردن مردم به کار گرفته میشود. طرح شعارهای استکبارستیزی در عین مذاکرات و معاملات پشت پرده با امپریالیستها، روش هائی است که رژیم توانسته است با توصل به آنها به حیات خودش ادامه دهد. ایران در سال آینده نه تنها با چالشهای بیشتری در عرصه داخلی بویژه با گسترش اعتصابات و اعتراضات عمومی مواجه خواهد شد، بلکه تحولات و تغییر توازن قوا در منطقه، بویژه تغییر احتمالی سیاست آمریکا و فشار بیشتر دولت دونالد ترامپ برای تغییر و یا تعدیل استراتژی ایران در منطقه میتواند مشکلات دیگری را در پیش پای حاکمیت قرار دهد. در عین حال وضعیت حساس منطقه وصف آرائی دول مرتجع در برابر هم و عکس العمل جناح های متعارض جمهوری اسلامی در برابر طرح و برنامه های امپریالیستی نیز یکی دیگر از چالشهای مهم پیش روی ایران در سال آینده محسوب میشود. و برغم آرامش داخلی ظاهری در عرصه درگیریهای خاورمیانه، اما ایران یکی از حساسترین و بحرانی ترین نقطه خاورمیانه محسوب میشود و تغییری تحول در اینجا به جرعه ای بند است. در چنین

شرایطی روی کار آمدن دولت نظامی و امنیتی ترامپ در آمریکا و اعلام دشمنی آشکار آنها با برخی از تحركات جمهوری اسلامی و استراتژی آنها در منطقه برای مقابله با رقبا و تامین سلطه خود احتمال تنش ها و درگیریها را افزایش میدهد. طبقه کارگر و زحمتکشان ایران بویژه احزاب و جریانات چپ و کمونیست تنها از طریق ارتقای سطح آگاهی طبقاتی و سوسیالیستی کارگران و متحدین آنها و کمک به اتحاد و تشکل یابی آنها از طریق شرکت عملی در مبارزه طبقاتی جاری میتوانند تدارک لازم را برای رویارویی با تحولات آتی در جهت رهائی از ستم و استثمار و زور و سرکوب نظام سرمایه داری حاکم و دسایس و توطئه های امپریالیستی، ببینند.

منطقه آسیا نیز برغم ثبات ظاهری اما از بحران و تلاطم در امان نبود. در سال گذشته باتوجه به وضعیت بحرانی و جنگ و کشتار در خاورمیانه، منطقه آسیا منطقه ای با ثبات به نظر میرسید اما این منطقه نیز از تاثیرات بحران جهانی سرمایه و تضاد و کشمکش بین صاحبان قدرت مستثنی نبود. مناقشه های منطقه ای و بین المللی حول دریای جنوبی چین و جزایری که از زیر اقیانوس سر بر آورده اند گرفته تا صدور رای دادگاه لاهه علیه چین، تشدید تنش بر سر آزمایشات هسته ای کره شمالی، بحرانهای اقتصادی و سیاسی در کره جنوبی که با تظاهرات و اعتراضات میلیونها نفر علیه فساد دستگاه اداری مواجه شد، تنش بین هند و پاکستان، ادامه کشتار و کشمکش سیاسی در افغانستان، سقوط سهام در بازارهای چین و کاهش ارزش سهام که دولت را واداشت تا بورسهای شانگهای و شین ژن را ببندد از طرفی نگرانیها

ادامه در صفحه بعد...

جهان در سالی که گذشت . . .

نسبت به این بحران بازارهای منطقه رانیز تحت تاثیر قرارداد، گسترش بی سابقه فساد دولتی و افزایش شکاف طبقاتی در اغلب کشورهای آسیای مرکزی. در این میان تشدید اختلاف در منطقه جنوبی دریای چین بر سر جزایر این منطقه با کشورهای ویتنام، ژاپن، مالزی، فلیپین و برنئی و ژاپن سیاست خارجی چین را با چالشهای مهمی مواجه کرده است. باتوجه به ارزش تجارت دریائی سالیانه آن امپریالیسم آمریکا که نمیتواند براحتی از آن چشم پوشی کند با اعزام جنگ افزارهای مدرن به این آبراه از یکسو و توقیف زیردریائی پیشرفته آن توسط چین در مقابل به آن، این دوکشور را به رویارویی نظامی نزدیک کرد. از طرفی ارتباط تلفنی دونالد ترامپ با نخست وزیر تایوان و اعلام اینکه شاید بعد از تحویل گرفتن پست ریاست جمهوری به سیاست چین واحد پایبند نباشد نیز زنگ خطر برای چین محسوب شده و آینده روابط چین و آمریکارا با چالشهای مهمی مواجه خواهد کرد این در حالی است که بن مایه این تحولات و کشمکشها همانا تداوم بحران اقتصاد جهانی و تلاش آمریکا برای مهار چین بعنوان دومین قدرت اقتصادی برتر جهان است قدرتهای معظم سرمایه داری که دیگر فشار بیش از این بر کارگران و زحمتکشان و تحمیل ریاضت بیشتر را با خطر طغیان محتمل میبینند، اینک بدنبال تکه پاره کردن همدیگر هستند.

کره جنوبی و هند و پاکستان نیز در سال گذشته با چالشهای زیادی دست بگریبان بودند تظاهرات و اعتراضات میلیونی به رسوائی فساد مالی در کره جنوبی، شکست حزب حاکم در انتخابات

به تنشهایی منتجر شد که در اواخر سال 2016 به اوج خود رسید .

هند نیز در سال گذشته درگیر اعتصابات و تظاهرات وسیع میلیونی بود یکی از بزرگترین اعتصابات کارگری با شرکت میلیونها کارگر در مقابل با تشدید تعرضات به حقوق و معیشت کارگران در هند رخ داد. علاوه بر آن فساد گسترده و رانت خواری در هند نیز یکی از معضلات آن در سال گذشته بود. دولت هند بعنوان راه حل، اصلاحات مالی را در دستور گذاشت که وضع راز آنچه بود بدتر کرد و باخارج کردن یکباره هشتاد درصد از پول رایج این کشور از چرخه مبادلات باعث شد تا صدها میلیون نفر یکباره از مبادلات روزانه خود ناتوان ماندند و شرکت ها با مشکل پرداخت حقوق کارگران و کارکنان خود مواجه شده و موج نارضایتی و تظاهرات سر اسر کشور را در بر گرفت.

اما این درگیریها و اوضاع بحرانی داخلی در سیاست خارجی هم منعکس شد تنش بین هند و پاکستان به دنبال کشته شدن «برهان وانی» فرمانده شبه نظامی حزب المجاهدین توسط هندیها و حمایت پاکستان از وی و چندین حمله شبه نظامیان به پایگاه های ارتش هند در کشمیر تنش بین این دوکشور را بالا برد .

پاکستان: در پاکستان این تنش ها با هند و افغانستان به بالا رفتن اختلافات سیاسی در هیئت حاکمه و اعتراضات و تظاهرات گسترده در شهرهای مختلف دامن زد

افشای رسوایی فساد مالی خانواده نواز شریف، نخست وزیر پاکستان در جریان موسوم به «پاناماگیت»، اعتراض های گسترده خیابانی، لغو اجلاس سران سارک به میزبانی پاکستان ادامه کشت و کشتار و گستره فقر و فلاکت و جنگ و آوارگی و بموازات آن فساد مالی گسترده در افغانستان

نمود های دیگر کنکاش سرمایه و پس لرزه های آن در این دوکشور بود. افغانستان بعد از گذشت نزدیک به پانزده سال حضور آمریکا و نیروهای ناتو هنوز بدون کمک مالی و نظامی آنها قادر به ادامه حیات نیست و بیشتر این پولها هم به کام مافیای حاکم ریخته میشود و توده های مردم افغان جز فقر و نداری و مهاجرت و آوارگی و کشته شدن در میدین و خیابانها نصیب دیگری نبرده اند.

سراسر آفریقا در سال گذشته بارسنگین بحران اقتصاد سرمایه داری و غارت و چپاول دول امپریالیستی را توده های محروم و گرسنه این قاره بردوش کشیدند. از کشورهای شاخ آفریقا که بگذریم در خون و جنون غوطه و رند. کشورهای این قاره عموماً با فقر و نداری، درگیریها و مشکلات اقتصادی بیشمار مواجه بودند. انتخابات مختلفی در این کشورها با درگیریها و اعتراضات عمومی و حمله به ساختمانهای دولتی همراه بود و از درون این تنش ها و اعتراضات مردمان جان به لب رسیده در فقدان آلت رناتو های انقلابی عموماً باند ها و جناح های فاسد دولتی و گروه های ارتجاعی مورد حمایت انحصارات سرمایه داری که مشغول چپاول این کشورها هستند، بهره بردند و این اعتراضات عملاً ره به جایی نبرد. مردمانی که قادر به فرار از این جهنم سرمایه ساخته بودند چول و پلاس بردوش جلای وطن کرده و اغلب در دریاها غرق و یا دروادی بیابانها به نیستی کشیده شدند.

در امریکای لاتین آنچه که از آن بعنوان موفقیت های چپ در پیش گرفتن راه مسالمت آمیز تحولات به نفع طبقه کارگر و زحمتکشان یاد میکردند، در سال گذشته با چالشهای بسیاری مواجه شدند. برغم جنبشهای اجتماعی بسیار

جهان در سالی که گذشت . . .

قوی که از تحولات رادیکال در این کشورها پشتیبانی کردند و برای تحقق آنها رزمیدند، اما قدرت ارتجاع و طبقاتی که موقتا عقب رانده شده بودند را دست کم گرفتند و وقتی بخود آمدند که آنها تعرض خود را آغاز کرده و توازن قوا را به نفع خود برهم زده و برای در دست گرفتن قدرت خیز برداشته بودند. به هر حال این جنبش ها و راه حل ها در سال گذشته شکست ها و عقب نشینی هایی را متحمل شدند که انگاری به احتمال وقوع آنها باور نداشتند. شکست این تجربیات نشان دهنده این واقعیت است که دگرگونی نظامهای استثمارگرانه جز از راه قهر و انقلاب میسر نیست. طبقه کارگر و زحمتکش هم در جریان به زیر کشیدن قدرت حاکمه سرمایه داری و هم در حفظ دست آوردهای خود نباید لحظه ای از مبارزه و امحای نظم استثمارگرانه غافل باشند. با توجه به بحرانهای شدید اقتصادی و سیاسی در کشورهای آمریکای لاتین از جمله برزیل که رئیس جمهور آن خود متهم به فساد مالی است - شدیدترین برنامه ریاضت اقتصادی را در دستور گذاشته است، سال آینده جنگ قدرت از یک طرف و جنگ فقر و غنا از سوی دیگر چالشهای پیش روی این کشورها را تشکیل داده و سرنوشت آنها را رقم خواهد زد.

در آمریکا انتخابات ریاست جمهوری نمود و نتیجه دیگری از به بن بست رسیدن سیاست های صاحبان سرمایه و قدرت در گذراز بحرانهای سرمایه داری است. نحوه و مضمون مبارزات انتخاباتی و شیوه تبلیغات کاندیداها که در آنها همه چیز گفته میشود جز پرداختن به معضلات اجتماعی و اقتصادی که جامعه آمریکا بویژه طبقه کارگر

و زحمتکش با آنها دست به گریبانند نشان دهنده اوج درماندگی سرمایه داری در اداره جامعه از یکسو و بی اعتمادی توده های مردم به الیت هدایت کننده این جامعه از سوی دیگر است. افرادی همچون ترامپ با توسل به شعارهای کلی پوپولیستی و نژادپرستانه، مردمی را که از کل دستگاه سیاسی بورژوازی رویگردان شده اند و اما آلترناتیوی هم ندارند، به سمت حمایت از خود سوق داد. انتخاب دونالد ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا، برگیست در بریتانیا و افزایش روز افزون آرای احزاب راست نژادپرست در اروپا، در کنار آن ظهور جریانهای نظیر سیریزا، پدموس و امثالهم در اروپا که متوهمانه از یک طرف نفی سیاست ریاضت اقتصادی را هدف خود اعلام میکردند و از سوی دیگر امید انجام اصلاحات به وسیله اتحادیه اروپا را انتظار میکشیدند.

نشان دهنده شکست اینگونه توهمات اصلاح از درون و بیانگر تشدید تضاد های درون نظام سرمایه داری و عمق بحران حاکم بر آن است که در کشورهای مختلف و به طرق گوناگون ظاهر میشوند. ظهور و کارنامه بعدی جریانهای نظیر سیریزا، پدموس در اروپا و چاوزیسم در آمریکای لاتین و پدیده ساندرز در خود

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در نتیجه سه دهه مبارزه طبقاتی و از دل سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پدید آمد و با نقد مواضع و انحرافات آن و با تغییر نام آن به سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در نهمین نشست خود در سال 1375 تداوم فعالیت خود را تحت نام، ارگان و مواضع جدید که از نقد گذشته و تحلیل شرایط حاضر بر می خاست آغاز نمود.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در عین حال تجلی وحدت بخشی از محافل و نیروهای کمونیست سازمان چریکهای فدایی خلق ایران است.

نادر مه مه و کارگران بازنشسته صنایع فولاد

زن هم گذاشتیم توی مجلس مگر ما مردا که آمدیم اینجا چه شکری خوردیم؟ مگر این مملکت ولی فقیه امام زمان ندارد. من با این دست و پای دراز شکم گنده دو روز داد میکشم تا پنج دقیقه وقت بگیرم حالا فرض بفرمائید آن یکی دوتازن بیچاره که از ترس این مجلسیان سرو صورت خودشان راهم پوشانده اند صدایشان هم کلف میکنند که اعیانا نمایندگان محترم باشندیدن آن روح از تن شان پرواز نکند و دچار گناه نشوند. آخر مگر مسلمان نیستید شما حاضرید صدای زنتان را مصلا بنده بعلاوه صد نفر دویست نفر آدم خدای ناکرده نامحرم بشنوند؟ حالا به من میگید نادر مه مه!

بالاخره نادر مه مه یک ریز حرف میزد دهن اش کف آورده بود از هر چیز میگفت جز معوقات حقوقی کارگران بازنشسته که حاج و واج صحنه تماشامیکردند و داشت خودشان هم یادشان میرفت که برای چه اینجا جمع شده اند. نادر مه مه نصف و نیمه جانباز داشت از حال میرفت همانطور که بقیه حرف هایش را زمزمه میکرد دوتن از محافظان اش زیر بغل اش را گرفته و از صحنه بیرون بردند. کارگران بازنشسته صنایع که جمع شده بودند و خواستار پرداخت معوقات حقوقی خود بودند باشندین حرفها و درد دلهای نماینده چندین دوره ای مجلس ملت که هیچ ربطی به مطالبات آنها نداشت، فهمیدند که از این امزاده معجزه ای حادث نمیشود برای گرفتن حق خود باید فکر دیگری بکنند.

که بیائید اینجا به من نماینده ملت که خودم رزمنده جبهه حق علیه باطلم، من نبودم و دست امام زمان پشتم نبود که اینجانبودم دشمن تعرض کرده بود به همه خواهر برادر و خود شما! حالا آمدید به من میگید نادر مه مه! اصلا معنی مه مه میدانید چیست ما هزار جور مه مه داریم از کجامیدانید که منظور من مه مه تفنگ سرپر بوده یا مه مه نه نه عمر و زید؟

یکی از میان جمعیت فریاد زد خیلی خوب حاجی تو اصلا از این حرفها بلد نیستی اونم که داره حرف میزنه تونیستی! مطالبات ما چی شد ماکه پول مفت نمیخواهیم و به مه مه پمه کسی هم کاری نداریم وارد وظایف و مسئولیت های آقایان مجلس نشین نمیشویم بگو ببینیم در این گرونی و با این معوقات حقوقی چه خاکی بهسرمان بریزیم.

نادر مه مه: به شما چه که حقوق بازنشستگان را کی پرداخت میکنن ها؟ مگر رئیس دولت هستید آقایان و شما میدانید که اگر زنتون وارد مجلس بشند چه بسرشان میاد، من که به مردان شهیدپرور ارورمیه گفتم این حرفهارو رسانه های ضد انقلاب اونو بد منعکس کردن. من نگفتم زبانم لال ممه مادر شمارا میبرند که به ولای علی قسم این حرفها دروغه گفتم ای ملت زنها تون را به مجلس نفرستید آخر عاقبت خوبی نداره، آخه تویه حلبی ساز میدونی که این نماینده ها که اینجانشسته اند چه فتنی اند؟ حالا آمدیم چهارتا

آقای نماینده که سخت در حال تفکر حول مسائل کلان مملکتی بود و اصلا نه متوجه اجتماع کارگران بود و نه حرف های آنها را میشنید. همینجوری راه اش را گرفته بود و میرفت. یک دفعه یکی از میان جمعیت قاضی پور را دید و فریاد زد. ای مه مه، عضو کمیسیون صنایع! حاجی نادر قاضی پور که تازه متوجه جمعیت شده بود، کت اش را در آورد و انداخت روی شانه های اش و رو به جمعیت گفت: ساکت باشید ساکت! اینجا خانه ملت است، شئون نظام رارعايت کنید ساکت باشید. صلوات بفرستید. جمعیت هم یکصدا فریاد زدند صل علی محمد نادر مه مه خوش آمد. اشاره به توهین نادر قاضی پور به زنان هنگام تبلیغات انتخاباتی- ادامه دادند صل علی محمد حقوق ما نیامد- شکم قاضی پور درآمد- عمر نظام سرآمد!

حاجی نادر از زور عصبانیت زبانش بند آمد. چند فحش ترکی حواله جمعیت کرد و رفت مجلس و یکر است پیش لاریجانی گفت: قربان جمعیت در مقابل خانه ملت جمع شده و شعارهای بدی میدهند. «با توجه به حفظ شأن مجلس باید رئیس مجلس یک نفر را پیش آنها بفرستد که لاریجانی در پاسخ به او با لبخند گفت: بگر شعار بد می دهند خود شما باید بروید جواب بدهید.» (نقل از خبرگزاریها- نادر قاضی پور این دفعه بدون اینکه بفهمد لاریجانی او را دست انداخته است، از اینکه چنین ماموریت بزرگی به نیابت از مجلس به او واگذار شده، یکباره اتکا به نفس اش بالا رفت و برگشت دم در مجلس و روبه جمعیت گفت: برادران به ولای علی قسم که شما گول خورده اید از توطئه های استکبار جهانی یکی هم این است که شما آدمهای بی ادب را تحریک بکند

به کانال تلگرام ما پیوندید



@fedayi1349

آخرین اخبار و گزارشات، مقالات، اطلاعیه ها و نشریات سازمان اتحاد فداییان کمونیست را از کانال فدائی در تلگرام دریافت کنید.

مرگ هاشمی رفسنجانی ایکاش میماند و تاوان جنایت هایش را میداد.

استبداد و خفقان و فقر و نداری ارمغانی نداشته است، گره خورده است.

رژیم اسلامی و تمام جناح بندی های آن در تشییع جنازه وی سنگ تمام گذاشتند. با تمام امکانات به بسیج نیرو پرداختند و از انبوه جمعیت عکس و فیلم گرفته و استقبال مردم را در بوق کرنا کردند تا جنازه او نیز از خدمت به رژیم استبدادی و اقتدار ولایت فقیه بی نصیب نماند.

نگاه کنید انبوه مردمی را که بر جنازه رفیق رهبر نماز میگذارند. مهم نیست که شعارهایی هم بر ضد دستگاه میدهند، مهم نمایش جمعیتی است که نسبت به یکی از بنیانگذاران جنایتکار ادای احترام میکنند. این لابد نشانه مشروعیت رژیم و ولایت فقیه اش است! البته سران و سازماندهندگان این نمایش، تنها نبودند.

هر آندسته و کس که در ادامه این حکومت دارای منفعتی بود به این کار نوال پیوست تا به دبدبه و کبکبه آن بیافزاید. از دستگاه سخنپراکنی بی بی سی گرفته تا تحلیل گران رنگارنگ پشت دوربین ها و میکروفن ها، از اپوزیسیون سبز گرفته تا ملاسیده های جامه سرخ برتن، از میرزا قشمشم گرفته تا حاجی عبدعلی طاق فروش، دین خود را به «عالیجناب سرخ پوش» ادا کردند. هرچی نباشد قائد اعظم بود و امیرکبیر دوران! سردار سازندگی برای رانت خواران که اصلاح طلب و محافظه کار سرش نمیشود و پول حرف اول را میزند، اقدامات عالیجناب در دوران «سازندگی» موقعیتی بوجود آورد که از قبل آن میلیارد ردر شدند و هنوز هم

میچاپند. شش ماه شش ماه حقوق کارگران را نمیدهند، آب از آب تکان نمیخورد. نگهداشتن شش ماه حقوق و پرداختن مزایا و حق سنوات و غیره برای یک سرمایه دار یعنی به کار انداختن این پول و کسب سود بسیار! اگر کارگران به فلاکت مینشینند مجبورند برای درمان درد فرزندشان اعضای بدن خود را به حراج بگذارند، دیگر به او مربوط نیست. این مشیت الهی است. وگرنه شکل گیری امپراطوری خانواده و باند هاشمی ها و ده ها وابسته اصلاح طلب و غیراصلاح طلب دیگر که ممکن نمیشد. برای سرمایه و مافیای قدرت و ثروت واقعا بهشت برین ساخته و هاشمی برایشان صد البته هم امیر است و هم کبیر!

اما هیئات اگر سر نوشت جلدانی را فراموش بکنیم که آنها هم اگر چه روزگاری میتوانستند هزاران هوراکش پشت سر خود به صف کنند، معهذا یادریحیات خود به قهر توده ها گرفتار آمده و به خفت و خواری افتادند و یا اگر هم همچون هاشمی مردند و فرصت پاسخگویی به جنایت هائی که مرتکب شده بودند را نیافتند، بعد ها از قضاوت بی رحمانه تاریخ خلاصی نیافتند نامشان در کنار نام قاتلان و غارتگران مستبد برای عبرت دیگران ثبت شد. ای کاش او میماند تا تاوان جنایت هائی را که مرتکب شده بود میداد.

25 دیماه 95

یدی شیشوانی

جمهوری فدراتیو شورایی ایران ،
اجتماع آزاد و سوسیالیستی کلیه
کارگران و زحمتکشان ایران است و
تمامی قدرت در آن به مردم متشکل
در شوراهای شهر و روستا تعلق
دارد .

در جمهوری فدراتیو شورایی ایران ،
مرجعیت با اکثریت مردم یعنی
کارگران و زحمتکشان است . دولت
شورایی تجلی عینی اراده آنان
محسوب می شود .

با انحلال نهادهای بوروکراتیک و
نظامی بورژوازی ، شوراهای بعنوان
مراجع قانونگذاری و اجرایی هر دو
عمل می کنند و در آن نمایندگان
توسط انتخاب کنندگان قابل عزل
خواهند بود .

جمهوری فدراتیو شورایی ایران ،
دیکتاتوری پرولتاریای شهر و
روستاست که برای امحای سرمایه
داری ، لغو مالکیت خصوصی
بورژوائی بر ابزار تولید و مبادله ،
محو استثمار انسان توسط انسان و
استقرار سوسیالیسم که در آن رفاه ،
آزادی و برابری حق طبیعی و غیر
قابل انکار هر انسان است و در
چارچوب آن وسیع ترین آزادیهای
سیاسی و عقیده و بیان برسمیت
شناخته می شوند ، تلاش می کنند .



**گرامی باد یاد و خاطره
ی حیدرخان عمو
اوغلی چهره شاخصی و
جاودان جنبشی
کمونیستی ایران!**

**راه سرخ نشریه فعالین داخل
کشور سازمان اتحاد فدائیان
کمونیست را از سایت
سازمان و یا کانال تلگرام
دریافت کنید .**

راه سرخ
منتشر شد!

کار کمونیستی آخر همراه زیر نظر هیئت سیاسی
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست منتشر می شود .

مسئول اجرائی : سالار حسامی
شماره پیغامگیر ، واتس آپ و وایبر سازمان

+46738924823

برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و یا
ارگانهای ان با یکی از آدرسهای زیر تماس
بگیرید :

.....
روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azar@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karj@fedayi.org

بمب گذاری در مقر حزب دمکرات کردستان را محکوم میکنیم

در شامگاه روز ۳۰ آذر با انفجار دو بمب در کنار مقر حزب دمکرات کردستان در کویسنجق اقلیم کردستان، پنج تن از پیشمرگان این حزب به نام های "علی قیطاسی، وهاب میر خزری، ناصر کریمی، سالار باقری، ارسلان عباسی" و یک نفر از ماموران امنیتی اقلیم کردستان، جان خود را از دست داده و عده ای نیز زخمی شدند. حزب دمکرات کردستان با انتشار بیانیه ای جمهوری اسلامی را عامل این انفجارات دانسته و دبیرکل آن آقای خالد عزیزی نیز طی یک سخنرانی بر مزار جانبختگان حزب، به دست داشتن جمهوری اسلامی در این انفجارات تاکید نمود. این در حالی است که حکومت اقلیم کردستان نیز طی بیانیه ای در این رابطه از دستگیری دونفر به نامهای (ش.ع) و (پ.گ) خبر داده است که هنوز اطلاعات دقیقی از هویت واقعی و وابستگی سازمانی آنها منتشر نشده است.

هر چند که بمب گذاریها و ربودن فعالین سیاسی و ترور مخالفین توسط رژیم جمهوری اسلامی بویژه در اقلیم کردستان مسبوق به سابقه است و امر جدیدی نیست ولی با توجه به تهدیداتی که در ماه های گذشته از سوی فرماندهان سپاه و دستگاه های اطلاعاتی رژیم نسبت به حضور و فعالیت احزاب کردی در این منطقه شده است، تردیدی نمیتوان داشت که این عمل جنایتکارانه نیز از سوی دستگاه های اطلاعاتی و جاسوسی رژیم برنامه ریزی شده و بمورد اجرا گذاشته شده است. این بمب گذاری در مقر حزب دمکرات که در آن جشن شب یلدا و سالروز تولد دکتر قاسملو برگزار میشد، زنگ خطری است جدی برای احزاب و سازمانهای مقیم در اردوگاه های اقلیم کردستان که خطر تداوم این دهشت افکنی را دست کم نگیرند و توهم نسبت به قول و قرارها و تبلیغات رسانه ای رژیم را دور افکنده و نسبت به تامین امنیت نشست ها و مقرهای خود احساس مسئولیت بیشتری بنمایند. فراموش نباید کرد که رهبران این حزب از جمله دکتر قاسملو و دکتر سعید خودقربانی توهماتی شدند که نسبت به وعده و وعیدهای رژیم و جناح های (به زعم) آنها اصلاح پذیر آنها داشتند که متأسفانه با پای خود به قربانگاه رفته و هزینه این توهمات را با جان خود پرداختند.

ما ضمن محکوم کردن عمل جنایتکارانه انفجار بمب در مقر حزب دمکرات کردستان، بدینوسیله به بازماندگان جانبختگان این واقعه تسلیت گفته و با خانواده های آنها اظهار همدردی مینمائیم.

روابط عمومی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

ششم دیماه ۱۳۹۵

کار ، مسکن ، آزادی ، جمهوری فدراتیو شورائی!